

بی‌آبی، مهاجرت، سوء‌تغذیه و بی‌کاری

فریانبانی

تغییر اقلیم، بی‌صدا در حال بازنویسی مرزهای زیستی ایران است. کاهش بارندگی، افزایش دمای هوا، کم‌آب‌شدن رودخانه‌ها، تخریب بی‌سابقه منابع آبی و فرسایش خاک، ایران را از یک کشور خشک و نیمه‌خشک به سرزمینی «بسیار خشک» بدل کرده است. اما آنچه این بحران طبیعی را به فاجعه‌ای انسانی تبدیل کرده، نه دست‌کاری‌های اقلیم، که سوءمدیریت مزمن منابع آب و خاک است. در کشوری که ۷۶٫۸ درصد منابع آب (۸۰ میلیارد مترمکعب) در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، انتظار می‌رود این آب به تولید غذای پایدار بینجامد. اما واقعیت تلخ این است که کشاورزی ایران با روش‌های سنتی، بدون برنامه‌ریزی علمی و با الگوی کشت نامتناسب، در حال هدردادن منابعی است که محدود شده و دیگر تجدیدپذیر نیستند. در استان‌هایی که منابع آب به خط قرمز رسیده‌اند، همچنان برنج و هندوانه کاشته می‌شود؛ محصولاتی پرآبر که عمدتاً نه برای تغذیه ساکنان این سرزمین، بلکه برای صادرات کاشته می‌شوند. چرخه خشک‌سالی و مدیریت پراشتباه منابع آبی نخستین ضربه را به زمین می‌زند؛ جایی که بذر باید جوانه برزند، اما خاک خشک، دیگر توان زایش ندارد. کاهش بارش و افت سطح سفره‌های زیرزمینی، سطح زیرکشت را روزبه‌روز کمتر کرده و تولید داخلی کندم، برنج، میوه و سبزی را هر مرز هشدار می‌رساند.

اما خشک‌سالی و کم‌آبی فقط به مسئله‌ای محیط‌زیستی محدود نخواهد ماند. این بحران، ابعاد اقتصادی، انسانی و حتی سیاسی دارد. وقتی آب و خاک به عنوان منابع تولید غذا نابود می‌شوند، امنیت غذایی فرومی‌پاشد. حاصل، زمین‌هایی است که بی‌خاصیت‌اند. کشاورزانی که کاری برای انجام ندارند و مردمی که با قفسه‌های خالی مواد غذایی و قیمت‌های سرسام‌آور روبه‌رو می‌شوند.

هر قدر شکاف میان توان تولید غذا و نیاز واقعی مردم بیشتر شود، خطر بی‌ثباتی هم بیشتر خواهد شد. بحران آب به‌سرعت به بحران خاک و سپس بحران اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شود. شیوه‌های غلط همین حالا هم به سفره مردم رسیده است. افزایش قیمت گوشت، برنج، گوشت، میوه و سبزیجات، توان خرید را کاهش داده. خانواده‌ها برای وعده‌های غذایی‌شان به‌جای کیفیت، قیمت را انتخاب می‌کنند. نتیجه‌ای که کودکان کم‌تغذیه، بزرگسالان ناتوان و جامعه‌ای بی‌آینده را در پی خواهد داشت. روستاهای خالی، کشاورزان ورشکسته، افزایش بی‌کاری، افزایش مهاجرت، سوءتغذیه، بیماری‌ها و چالش‌های دیگر هم در راه خواهند بود. قبل از آنکه چالش‌ها از راه برسند راه نجات هنوز وجود دارد؛ اصلاح الگوی کشت، هر منطقه باید متناسب با اقلیم و منابعش محصول بکارد، نه بر اساس سود آتی. سرمایه‌گذاری در آبیاری نوین؛ روش‌های سنتی باید جای خود را به آبیاری قطره‌ای و تکنولوژی‌های کم‌مصرف بدهند. تغییر سیاست‌های صادراتی؛ صادرات محصولات پرآبر باید ممنوع یا محدود شود. بازچرخانی آب و استفاده از پساب؛ در سرزمینی با این میزان کم‌آبی، حتی قطره‌ای هم نباید هدر رود. آگاهی‌بخشی عمومی؛ مردم باید بفهمند که انتخاب آنها در مصرف آب و غذا، بخشی از حل بحران است. استفاده از توان متخصصان آگاه و دلسوز برای گذر از این بحران هم امری بدیهی است. بعد از بی‌آبی، قحطی پشت در است و اگر صدايش را نشنويم، فردا با خشم در خواهد زد. اگر امروز تصمیم نگیريم، فردا سهم‌مان فقط زمین خشک، کشاورزی ازبین‌رفته، سفره خالی و نسلی بیمار و بی‌امید خواهد بود. این بحران، هم‌زمان با نابودی محیط زیست و سفره مردم، ستون‌های استقلال کشور را هم هدف می‌گیرد؛ چراکه هیچ کشوری با بی‌توجهی به ضروریات یک زندگی معمولی پایدار نمی‌ماند.

خبرخوان

نظارت بر چاه‌های موجود در پایتخت

ایستنا: فرماندار تهران با تأکید بر مدیریت پایدار منابع آب گفت: «یکی از رویکردهای اصلی فرمانداری تهران جلوگیری از حفر چاه‌های غیرمجاز و کنترل دقیق چاه‌های مجاز است». حسین خوش‌اقبال با اشاره به حفر چاه‌های غیرمجاز در پایتخت با توجه به وضعیت ناتراز آبی گفت: «تهران به دلیل رشد سریع جمعیت و گسترش محدوده‌های شهری در دهه‌های اخیر، با افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی مواجه شده است. کاهش محسوس آب‌های زیرزمینی باعث بروز پدیده‌هایی مانند فرونشست زمین، افت کیفیت آب و مشکلات محیط‌زیستی گسترده شده و این موضوع در گزارش‌های متعدد سازمان‌های محیط زیست و وزارت نیرو نیز مورد تأکید قرار گرفته است». او ادامه داد: «وزارت نیرو و شرکت آب و فاضلاب موظف هستند مصرف و برداشت از سفره‌های موجود را تحت کنترل دقیق قرار دهند و در مناطقی که افت سطح آب حاد است، محدودیت‌های جدی اعمال کنند».

ایستنا: رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با بیان اینکه

بخش‌های بزرگ صنعتی برای خنک‌کردن مستقیم نوشیدنی‌ها مناسب نیستند، گفت: «البته برخی کارخانه‌های تولید یخ توانسته‌اند پروانه بهداشتی تولید یخ را از وزارت بهداشت بگیرند. یخ‌های تولیدی این کارخانه‌ها، بهداشتی است و در قالب‌های کوچک عرضه می‌شود». محسن قهرادی در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه مصرف نوشیدنی‌های خنک در فصل گرم سال افزایش می‌یابد، گفت: «استفاده از یخ به منظور خنک‌کردن نوشیدنی‌ها در فصل گرم سال بسیار رایج است، اما رعایت برخی نکات برای استفاده از یخ ضروری است. ابتدا مصرف یخ در فصل گرم سال، بلکه در برخی مراسم‌های مذهبی نیز افزایش می‌یابد. در آستانه مراسم اربعین و ۲۸ ماه صفر قرار داریم و این روزها با ماه‌های گرم سال مصادف شده است». او ادامه داد: «مردم از یخ برای خنک‌کردن نوشیدنی و آب آشامیدنی استفاده می‌کنند، اما استفاده از هر یخ برای خنک‌کردن مستقیم نوشیدنی توصیه نمی‌شود. در وهله نخست، مردم سعی کنند از دستگاه‌های یخ‌ساز مستقر در رستوران‌ها و مراکز پذیرای زائران که به شبکه آب‌رسانی کشور متصل هستند استفاده کنند تا یخ بهداشتی در اختیار آنها قرار گیرد». او با بیان اینکه استفاده از یخ‌های بزرگ صنعتی در میان مردم شایع است، توضیح داد: «یخ‌های بزرگ صنعتی به‌هیچ‌وجه برای خنک‌کردن مستقیم نوشیدنی مناسب نیستند. مردم می‌بایست نوشیدنی‌های خود را به صورت غیرمستقیم با یخ‌های بزرگ صنعتی خنک کنند؛ چراکه این یخ‌ها بهداشتی و قابل شرب نیستند».

۲۲۰۰تن برنج احتکاری در کشور

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا از کشف دو هزارو ۲۴۵ تن برنج احتکارشده در اجرای طرح سراسری مقابله با سوداگران اقتصادی خبر داد و گفت: «در این باره ۴۹ انبار و شرکت توزیع مورد بازرسی قرار گرفت و عوامل احتکار دستگیر و به مرجع قضائی معرفی شدند». حسین رحیمی با اشاره به اجرای طرح در دوره‌ه مقابله با احتکار برنج در سراسر کشور گفت: «این طرح به دنبال نوسانات اخیر بازار برنج و گزارش‌های دریافتی از فعالیت سوداگران، در دستور کار قرار گرفت و با هماهنگی دستگاه‌های نظارتی اجرا شد. در این طرح، از ۴۹ انبار و شرکت فعال در حوزه توزیع برنج بازدید و دو هزارو ۲۴۵ تن انواع برنج احتکارشده کشف و ضبط شد».

گزارش «شرق» از بهشت زهرا در چهل‌م قربانیان جنگ

داغ ۴۰ روزه

خیلی از آنهایی که از کنار سنگ قبر کودکی می‌گذرند می‌ایستند، بوسه‌ای می‌زنند، فاتحه‌ای می‌خوانند و می‌روند بسیاری از خانواده‌ها که عزیزی زیر خاک دارند اما داغشان هنوز به ۴۰ روز هم نرسیده، به جمع خانواده‌های داغدار پیوسته‌اند

بود و نه آدم سیاسی، مریم یک شهروند معمولی بود». صحبت‌هایش که تمام می‌شود، گل‌های روی قبر را جابه‌جا می‌کند و عکس مریم را در آغوش می‌گیرد و می‌روند.

دستگاه مشترک مورد نظر خاموش است، برای همیشه

چند ردیف آن طرف‌تر زن جوانی دبه‌های آب را روی چند قبر می‌گیرد و روی‌شان را می‌شوید. روی یکی از آنها چند بار دست می‌کشد و بعد از چند دقیقه قرآنی از کیفش بیرون می‌آورد و شروع به خواندن می‌کند. همسرش را همان روز اول از دست داده است. آخرین تماس با همسرش مربوط به شب عید غدیر بود، ۲۳ خردادما. با همسرش تماس می‌گیرد، احوالش را جویا می‌شود، با هم خوش و بشی می‌کنند و تمام. این آخرین مکالمه زن جوان با همسرش بود: «همسرم شب عید غدیر به شهادت رسید. مرتب با هم در تماس بودیم، یا او زنگ می‌زند یا من. آخرین تماس ما وقتی بود که می‌خواستم حالش را ببرسم و بعد از آن هرچه تماس گرفتم گویی‌اش خاموش شده بود». دیگر تمایلی به صحبت ندارد و حرف‌هایش نیمه‌کاره می‌روند. دوباره دبه آب را برمی‌دارد و قبر همسرش را با چند قبر کناری می‌شوید. آب را بر روی قبر «سهیل کطولی» ۱۱ ساله و مادر بزرگ او «سونا حقیقی» می‌گیرد. در این مدت با خانواده آنها هم آشنا شده؛ خانواده‌ای که زیر آوار‌های خانه‌شان کشته شدند. مردم و رهگذرها با دیدن نقاشی سهیل که شاید آخرین نقاشی او بر روی کاغذ سفید بود، چند لحظه‌ای توقف می‌کنند و مبهوت چهره او در عکسی می‌شوند که بالای قبرش نصب شده است.

سخت‌ترین ۷ روز زندگی

کم‌کم صدای گریه‌های بلند این سیاه‌پوشان در صدای بلند آذان ظهر گم می‌شود. داغ آنها در چهلمین روز، تبدیل به رنج شده. مثل حال پدر و مادری میانسال که سوگووار از دست دادن پسر ۲۴ ساله‌شان هستند. آنها کنار قبر عزیزشان صندلی گذاشته‌اند و چهلمین روز از دست دادنش را سوگواری می‌کنند. مانند دیگر بازماندگان، تمایل چندانی برای حرف‌زدن ندارند، بی‌حوصله‌اند و می‌خواهند در تهایی خودشان عزاداری کنند. پدر به چند جمله کوتاه بسنده می‌کند: «هفت روز طول کشید تا جسد پسرم پیدا شود. هفت روز منتظر بودیم. هفت روز مادرش چشم‌انتظار بود. در آخر اجسادی پیدا شد که قابل شناسایی نبودند. آزمایش دی‌ان‌ای دادیم تا مشخص شود جسد پسر ما کدام است. هفت روز کامل انتظار کشیدیم. در آخر هم جسد پسر جوان‌مان را پیدا کردیم». مادر تمام‌مدت قرآنی به دست گرفته و به صدای همسرش گوش می‌دهد که لرزان و سوزناک جملات را پشت هم ردیف می‌کند. پدر دیگر چیزی نمی‌گوید، بلند می‌شود و اطراف قبر پر از گل راه می‌رود و به عکس فرزندش نگاه می‌کند.

در بین این جمعیت، زنی جوان با لباس سیاه تنها روی صندلی نشسته، دستانال سفید را روی گونه‌هایش می‌کشد و به نام روی قبر خیره می‌شود. برادرش برای امدادگری رفته بود اما دیگر بازنگشت؛ «شهرک باقری که موشک‌باران شد، برادرم به عنوان امدادگر رفته. از قبل آماده‌باش بودند. دو تا سه بار آنجا را موشک‌باران کردند و برادرم در یکی از این حملات شهید شد. او برای امدادگری رفته بود». دستانال سفید را دوباره به دست می‌گیرد و روی چشمانش را می‌پوشاند.

مادرم زیر آوار ماند

کرما ایفتاب تابستانی زیاد است، اما از رفت‌وآمد آدم‌های این قطعه کم نکرده است. عده‌ای می‌آیند و عده‌ای دیگر گروهی یا تنها می‌روند. بین آنها خانواده‌ای از راه می‌رسد، دسته‌گلی بزرگ روی قبر می‌گذارند و شروع به تمیزکردن اطراف آن می‌کنند. مادرشان را در جنگ از دست داده‌اند. آشیانه‌شان در موشک‌باران ویران شد و مادر را از آنها گرفت: «خانه ما در آستانه اشرفیه بود، وقتی به خانه آقای صدیقی حمله شد، خانه ما هم ویران شد. آن لحظه ما همه در خانه بودیم که همه چیز روی سرمران آوار شد و مادر را از دست دادیم. هم خانه رفت و مادر م‌درمان. دیگر چه چیز می‌توان گفت». این خانواده هم مانند بسیاری دیگر از داغداران تمایلی برای حرف‌زدن ندارند.

بررسی تطبیقی با تأکید بر لزوم واگذاری تصمیمات اجرائی به انجمن اولیا و مربیان

شان آموزش و پرورش چیست؟

۲.۲ کانادا؛ مشارکت مؤثر والدین از طریق شوراهای رسمی
در اغلب ایالت‌های کانادا، تصمیمات روزمره مدرسه‌ای توسط «School Councils» اتخاذ می‌شود. مثلاً در استان انتاریو، قانون تصریح می‌کند که دولت نمی‌تواند در تصمیمات اجرائی روزمره دخالت مستقیم داشته باشد و شوراهای والدین موظف به بررسی نیازهای محلی و تصویب برنامه‌های اجرائی هستند. اگر شکایتی وجود داشته باشد، آن نیز از طریق همین شوراها قابل پیگیری است، نه مستقیماً از سوی وزارت آموزش.
۲.۳ ژاپن؛ نظارت دولتی محدود و نقش‌آفرینی گسترده نهادهای محلی
در ژاپن، سیاست‌های کلان مانند سلامت، ایمنی و عدالت آموزشی توسط دولت مرکزی تعیین می‌شود، اما امور اجرائی کاملاً به نهادهای محلی (شهرداری‌ها و انجمن‌های مدرسه) واگذار شده است. مثلاً لباس فرم مدارس توسط شوراهای محلی مشخص می‌شود و بسته به شرایط اقلیمی و فرهنگی، در مدارس مختلف تفاوت دارد. این ساختار، ضمن افزایش اعتناق‌پذیری، اعتماد عمومی را نیز افزایش داده است.

۳. ایراد‌های تمرکزگرایی در ایران

۳.۱ کاهش مشارکت والدین؛ مشارکت صوری، نه واقعی
در ایران، به‌ظاهر طبق دستورالعمل‌ها تصمیم‌گیری درباره موضوعاتی مانند لباس فرم، ناهار و سرویس مدارس بر عهده انجمن اولیا و مربیان گذاشته شده است، اما در عمل، وقتی وزارت آموزش و پرورش نوع رپویش را فقط «مانتو و شلوار» تعریف می‌کند، تعداد لباس‌ها را از پیش تعیین کرده و حتی قیمت آن را بدون توجه به کیفیت پارچه، نوع دوخت یا شرایط اقلیمی مدرسه تعیین می‌کند، عملاً نقش انجمن‌ها بی‌اثر می‌شود. در مدرسه‌ای ممکن است نیاز به یک دست لباس ورزشی نیز وجود داشته باشد یا در مدرسه‌ای دیگر به علت سرمای زمستان، ضرورت استفاده از ژاکت رسمی مطرح باشد. وقتی این تفاوت‌ها نادیده گرفته شده و مدل واحدی تحمیل شود، جلسات انجمن‌ها صرفاً جنبه تشریفاتی پیدا می‌کند و مشارکت والدین از سطح «تصمیم‌گیری» به سطح «ابلاغ تصمیم» تقلیل می‌یابد.

❖ کارشناس آموزشی و مدیرکل اسبق مدارس غیردولتی کشور



نسترن فرخه



خبرهای روز

جایگزینی ۱۰۰ اصله درخت چنار

ایسنا:مدیرکل محیط زیست و توسعه پایدار شهرداری تهران گفت: «۱۰۰ اصله درخت چنار با سن بالای ۵۰ سال به‌جای درختان خشک‌شده خیابان ولیعصر کاشته شدند». محمدصابر باغخانی‌پور توضیح داد: «آسیب وارده بر درختان در حال حاضر نتیجه کم‌توجهی به این موضوع در بازه زمانی طولانی در دوره‌های قبل است». او ادامه داد: «۸۰ اصله درخت خیابان ولیعصر به دلایل متعددی خشک شدند که این تعداد نشانه‌گذاری شدند. این درختان پس از ثبت در سامانه نهال، قطع و جایگزین شدند». باغخانی‌پور با بیان اینکه برخی صنوف فاضلاب را به صورت غیرمجاز در نهرهای ولیعصر رهاسازی کردند، مواردی دیگر مانند افزایش جمعیت و کلونی موش‌ها و بهسازی‌نکردن نهرها و آبیاری کافی را از دلایل خشکی درختان خیابان ولیعصر عنوان کرد. او درباره قطع درختان خیابان ولیعصر گفت: «دو هزارو ۴۰۰ اصله درخت در خیابان ولیعصر در محدوده منطقه یک قرار دارند که به‌جای ۸۰ درخت چنار خشک‌شده در این محدوده، ۱۰۰ درخت چنار با بن بالای ۵۰ سال کاشته شد. این بهترین راه‌حل در شرایط فعلی بود». او افزود: «برای حفاظت از درختان و محیط زیست این منطقه، علاوه بر کاشت درختان بن‌بالا، هم‌زمان بهسازی انهار، استانداردسازی تشک‌های اطراف درختان، بندکشی کف انهار با مواد نفوذپذیر نسبت به آب، انسداد کلونی موش‌ها و ساماندهی فاضلاب غیرمجاز اصناف نیز با همیاری شهرداری منطقه یک انجام شد. این اقدامات برای ساماندهی شرایط کمک‌کننده، مؤثر و موفق بوده». باغخانی‌پور، آموزش اصناف و ساکنان برای حفاظت از درختان این مسیر را پتانسیلی برای کاهش آسیب به درختان دانست و گفت: «ارزایی سلامت درختان ولیعصر با روش توموگرافی نیز انجام شد که این نشان از اهمیت موضوع برای اداره کل محیط زیست شهرداری تهران و شهرداری منطقه یک دارد».

رهاسازی سگ‌های ولگرد از شهرهای همجوار

ایسنا: رئیس اداره کنترل حیوانات شهرداری تهران افزایش جمعیت موش‌ها در مناطق فرسوده پایتخت و گسترش سگ‌های ولگرد در حاشیه‌های تهران را ناشی از نبود بهسازی عمرانی، نبود قانون مشخص و رهاسازی حیوانات از شهرهای اطراف عنوان کرد. داود معظمی گودرزی با اشاره به افزایش تعداد موش‌ها در سطح شهر تهران، افزود: «قدیمی‌بودن برخی مناطق به‌ویژه در منطقه ۱۱ تهران یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش موش‌هاست و باید بهسازی در این مناطق انجام شود که تاکنون این کار انجام نشده است. چنین کاری فقط وظیفه خدمات شهری نیست و معاونت عمرانی نیز باید پای کار بیاید؛ یعنی جداولی که شکستگی دارند یا ساختمان‌های قدیمی مخروبه باید بازسازی و بهسازی شوند». او ادامه داد: «وقتی این کار اتفاق نیفتاده، کارمان دشوار شده است و با کندی جلو می‌رویم. همچنین بیشترین آلودگی در سطح شهر طبق شکایات مردم در سامانه ۱۲۷ در منطقه چهار ثبت شده است و این منطقه در این باره همیشه حرف اول را می‌زند. بعد از منطقه چهار، منطقه پنج بیشترین تلفن‌ها و شکایت مردمی در سطح شهر تهران را دارد».

رئیس اداره کنترل حیوانات شهری سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با اشاره به وضعیت جمع‌آوری سگ‌های ولگرد در تهران، گفت: ۱۲۰ خودرو در مناطق حاشیه‌ای داریم که سگ‌ها را جمع‌آوری می‌کنند، یکی از دلایل افزایش سگ‌های ولگرد این است که متأسفانه از شهرهای همجوار می‌آیند و سگ‌ها را اینجا رها می‌کنند. بهترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای برسی‌ها این است که سگ‌ها را در سطح این شهر تهران رها کنند. دلیل دومش این است که برخی‌ها از مردم پول جمع‌آوری می‌کنند تا به سگ‌ها غذارسانی کنند که این کار اشتباه است».